

ترسیم نظام ارتباط با خدا بر اساس احادیث قدسی با استفاده از روش تحلیل محتوا

مهدی مطیع^۱

امیراحمد نژاد^۲

مریم پیمانی^۳

چکیده

روش‌های تحلیل متن از دیرباز در فهم متون مقدس مؤثر بوده و تا کنون نیز در مطالعه معانی بلند این متون مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل محتوا - که یکی از رایج‌ترین این روش‌هاست - به منظور مطالعه احادیث قدسی و ترسیم نظام ارتباط با خدا بر اساس این احادیث، مورد توجه نوشتار حاضر است. موضوعات اخلاقی از جمله موضوعات پرسامد در احادیث قدسی است. احادیث قدسی اخلاقی، بیش از هر چیز به اخلاق فردی توصیه کرده و اصلاح فرد را مرکز توجه خود قرار می‌دهد. در این میان نقش محوری در این رده از احادیث را ارتباط با خدا ایفا می‌کند. مطالعه این احادیث بر مبنای روش تحلیل محتوا - که تنها ابزار تحلیل در آن، خود متن است - نشان می‌دهد که اساس نظام اخلاقی قدسی را ارتباط با خدا شکل می‌دهد؛ به طوری که می‌توان نظام اخلاقی احادیث قدسی را در پرتو نظام ارتباط با خدا ترسیم کرد. کلیدواژه‌ها: حدیث قدسی، نظام اخلاقی، ارتباط با خدا، تحلیل محتوا.

۱. بیان مسأله

ارتباط انسان و پروردگار - که بسیار مورد تأکید خداوند است - در طول تاریخ از جانب

۱. دانشیار گروه علوم و قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (maryampeymani290@gmail.com).

۲. استادیار گروه علوم و قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (amirahmadnezhad@hotmail.com).

۳. دانشجوی کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (m_parsizad@yahoo.com).

انسان بسیار آسیب پذیرفته، هر چند از سوی خداوند کاملاً حفظ شده است. آدم - که مسجود ملائک و اشرف مخلوقات بود، با اولین عصیان، اولین ضربه را به این رابطه نزدیک و مثال زدنی وارد کرد. ضربه‌ها و آسیب‌هایی که انسان در طول تاریخ برپیکره این ارتباط وارد آورده، هر بار موجب دورتر شدن او از خداوند گردیده و این فاصله نیزرفته رفته بر شدت و کثرت آسیب‌ها مؤثر بوده است. تأکیدی که خداوند همواره بر اصلاح این رابطه داشته، موجب گشته است که یکی از مهم‌ترین آموزش‌هایی که پیامبران مأمور به آن بودند، به آشتی دادن بین انسان و خدا و بهبود رابطه بنده و مولا اختصاص یابد. احادیث قدسی نیز - که حامل پیام‌های الهی است که با واسطه پیامبران و در مواردی ائمه اطهار به گوش انسان رسیده - بر اشتیاق خداوند به تجدید و بهبود این رابطه و ضرورت و اهمیت آن برای سعادت انسان به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در این گونه از احادیث تأکید دارد.

مضامین این دسته از احادیث سرشار است از راهکارهایی برای حذف فاصله بین انسان تا خدا و برقراری ارتباطی که خداوند، از میان مخلوقاتش تنها انسان را شایسته آن دیده است. در حقیقت احادیث قدسی همچون طبیعی دلسوز در ابتدا درد انسان دور از وطن را تشخیص داده و سپس به درمان آن مبادرت ورزیده است؛ اما با وجود ظرفیتی که حدیث قدسی در اجابت فرمان پروردگار برای پیمودن راه او دارد، بسیار از نگاه انسان دور مانده و مورد غفلت واقع شده است. به نظر می‌رسد یکی از بزرگ‌ترین مسائل انسان در عصر حاضر دین و معنویت است. جهان کنونی در متوقف کردن انسان، که تنها برای عبادت آفریده شده، از پیمودن راه خدا بیشترین استعداد را دارد و در شکست خوردن تلاش‌های احتمالی که در این زمینه صورت گرفته، بسیار مؤثر است. با این وجود و با عنایت به تجربه‌هایی که انسان در دنیاگرایی و تمایل افراطی به مادیات دارد، می‌کوشد اگر نه به نفی دنیا، به اهمیت بعد معنوی در زندگی خود و شیوه‌ای از زندگی که دین و دنیا و به عبارتی خدا و اجتماع را توأمان برای او به ارمغان آورد، دست یابد. احادیث قدسی با منشأیی الهی بسیار مستعد هدایت انسان و فراهم آوردن شرایطی برای بازگرداندن او به جوار رحمت الهی است. این دسته از احادیث از این منظر دارای وجه شباهت با قرآن است؛ اما جای تردید نیست که ادبیات آن متفاوت از ادبیات قرآن است.

اهمیت ارتباط با خدا و تأکید ویژه احادیث بر آن، ضرورت پرداختن به این موضوع و مطالعه و بررسی راه‌های پیشنهادی احادیث قدسی برای ایجاد چنین رابطه‌ای را نشان می‌دهد. این احادیث بیشتر گفت‌وگوهای خصوصی خداست با بندگان برگزیده‌اش و پند و

موعظه‌های خاص خداوند به بهترین بندگان اوست؛ اما تا کنون جز در مواردی معدود، محدود، گزینشی و تکراری مورد توجه پژوهش‌گران قرار نگرفته است. موضوع مدنظر نگارش حاضر نیز از این امر استثناء نبوده و از این لحاظ کاملاً بدیع به نظر می‌رسد. این نگارش می‌کوشد که ضمن نشان دادن بسامد بالای احادیث اخلاقی در میان احادیث قدسی، موضوعات مختلف اخلاقی در این رده از احادیث را شناسایی کرده و میزان اهمیت آن‌ها را از دیدگاه احادیث قدسی دریابد. اصلی‌ترین پرسش پیش روی این پژوهش، چیستی پیشنهاد این دسته از احادیث برای ایجاد و حفظ رابطه انسان با خداست. به بیان دیگر، تلاش می‌شود راه‌کارهایی که خداوند به عنوان تنها کسی که صلاحیت ارائه درمان هر درد را دارد، در موضوع شکل‌گیری دوباره رابطه انسان با خدا، شناخته و بررسی شود و از این رهگذر راه حلی کاملاً کاربردی و قابل اجرا برای پیمودن صراط مستقیم مطرح گردد، به گونه‌ای که بتوان از آن به عنوان نقشه راه استفاده نمود. در خلال پاسخ به این سؤال می‌توان دریافت که در ایجاد این رابطه اولویت با کدام یک از راه‌های موجود است و آیا می‌توان به بهانه تأکید احادیث بر اصلاح فردی، از اصلاح جامعه فارغ شد و اساساً پیشنهاد احادیث قدسی برای اصلاح جامعه چه چیزی می‌تواند باشد؟

۲. معرفی روش تحلیل محتوا

مقاله حاضر روش تحلیل محتوا را جهت تحلیل احادیث قدسی با موضوع «رحمت» برگزیده است. تعریف و انواع آن در پی می‌آید.

۱-۲. تعریف روش تحلیل محتوا

تحلیل محتوا به عنوان یک روش عبارت است از شناخت و برجسته ساختن محورهای یا خطوط اصلی یک متن یا متون مکتوب، یک یا مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها، سلسله‌ای از تصاویر، نوارها، وصیت‌نامه‌ها، نامه‌های خصوصی، سؤال‌های بازی یک پرسش‌نامه و... در مواردی چند، تحلیل محتوا روشی توصیفی یا تشریحی است که در نهایت تحلیلی وصفی را به دست می‌دهد؛ اما همیشه چنین نیست و نمی‌توان گفت که این روش فقط در خدمت جامعه‌نگاری یا جامعه‌شناسی وصفی است؛ چه، می‌توان از طریق کاربرد آن به شناخت و هم‌معرفی دست یافت. در این حد باید تحلیل محتوا به عنوان یک ابزار، امکان تحلیل علی را فراهم سازد یعنی نه تنها به ارائه تصویر واقعیت در سطح پیردازد، بلکه در اعماق فرورود و علل یا عواملی را مشخص دارد که در هرزمینه اجتماعی شبکه سطحی واقعیت را فراهم

می آورند.^۴

تحلیل محتوا، تکنیکی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها درباره متن آن‌ها است و شامل شیوه‌های تخصصی در پردازش داده‌های علمی است. هدف تحلیل مانند همه تکنیک‌های پژوهشی فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است. در تعریف دیگری که برلسون ارائه کرده، تحلیل محتوا، تکنیکی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام به شمار آمده است. شرط عینی و منظم بودن تکنیک در این تعریف مشمول شرط تکرارپذیری در تعریف پیشین است.

کرپیندورف در شرح تعریف برلسون، دو شرط را قابل انتقاد می‌داند: یکی شرط «کمی» بودن توصیف که محدود کننده است و دیگری شرط «محتوای آشکار پیام» که موجب نادیده گرفتن محتوای پنهان است. وی تحلیل محتوا را روشی در کند و کاو معنای نمادین پیام‌ها توصیف کرده و آن را دالّ بردو نکته می‌داند: نخست این که، پیام‌ها معنای واحدی ندارند که مستلزم کشف باشد و همواره می‌توان داده‌ها را خاصه در جایی که ماهیتاً نمادین هستند از دیدگاه‌های مختلفی نگریست. بنا براین، ممکن است یک پیام حتی برای یک مخاطب دربرگیرنده چند محتوا باشد. در چنین شرایطی ادعای تحلیل کامل یک پیام دال بر موضعی نامعقول است. نکته دیگر آن که، معنا لزوماً برای همگان یکسان نیست؛ گویا این که اجماع یا اشتراک ذهنی درباره معنای پیام، تحلیل محتوا را فوق العاده ساده می‌سازد. چنین اجماعی فقط درباره واضح‌ترین یا آشکارترین وجه پیام یا برای معدودی از مردم که از دیدگاه‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی یکسانی برخوردارند، پیش می‌آید.^۵

۲-۲. انواع روش تحلیل محتوا

روش تحلیل محتوا را در سه سطح می‌توان پی گرفت:

۱-۲-۲. تحلیل محتوای کمی

شرط کمیّت، غالباً هم توسط کسانی که این فن را علمی‌تر از دیگر روش‌های تحلیل اسنادی می‌دانند و هم توسط کسانی که انتقادی‌ترین موضع را نسبت به آن دارند، به یک اندازه ضروری قلمداد شده است. دیدگاه اخیر بر آن است که دلیل واضح و مشخصی برای به کارگیری روش تحلیل محتوا وجود ندارد، مگر این که سؤالی که شخص در پی

۴. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۲۸۱.

۵. تحلیل محتوا؛ مبانی روش‌شناسی، ص ۲۶-۲۷.

پاسخ‌گویی به آن است، کمی باشد.^۶ در واقع دو نوع روش را می‌توان به طور مؤثر در یک پروژه به کار گرفت، اما اغلب محققان و در اغلب تحقیقات روی یکی از این روش‌ها تکیه می‌کنند و این امر تا حدی به دلیل اعتقادات شخصی و همچنین به خاطر آموزش کسب شده و به علت طبیعت مسائلی که مورد مطالعه است، صورت می‌گیرد.^۷ عده‌ای از صاحب‌نظران نیز در اثبات ضرورت تحلیل‌های کمی پا را فراتر نهاده و روش‌های کمی و کیفی را مکمل یکدیگر می‌دانند.

هولستی به نقل از پول می‌نویسد:

نباید تصور کرد که روش‌های کیفی دارای بصیرت‌اند و روش‌های کمی فقط روش‌های رسیدگی فرضیه‌ها هستند. ارتباط بین این دو روش، ارتباطی دورانی است؛ هر یک از آن‌ها بینشی را شکل می‌دهند که دیگری از آن تغذیه می‌کند.^۸

بر این اساس روش تحلیل محتوا دارای دو مشخصه بارز است: یکی امکان فهم معنای مستتر در متن و دیگری ضرورت انجام تحلیل کمی و اساسی بودن این مرحله از تحلیل.

۲-۲-۲. تحلیل محتوای کیفی

تحقیق کیفی عبارت است از هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده‌اند. شیوه مذکور ممکن است به تحقیق درباره زندگی افراد، شرح حال‌ها، رفتارها و همچنین درباره کارکرد سازمانی، جنبش‌های اجتماعی یا روابط بین‌الملل معطوف باشد.^۹ روش‌های کیفی برای پرده برداشتن از پدیده‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند و دیدن این که در پشت آن‌ها چه نهفته است، به کار گرفته می‌شوند. علاوه بر این، برای کسب نگاهی نو درباره آن چیزهایی که میزانی از آگاهی درباره‌شان وجود دارد نیز به کار گرفته می‌شود. همچنین روش‌های کیفی می‌تواند جزئیات ظریفی از پدیده‌هایی که ارائه آن‌ها به روش‌های کمی مشکل است، به دست دهد.^{۱۰}

۶. تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ص ۱۶.

۷. اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ص ۱۸.

۸. تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ص ۲۵.

۹. اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ص ۱۷.

۱۰. همان، ص ۱۹.

۲-۱. تحلیل محتوای توصیفی

تحلیل توصیفی متضمن ارائه یافته‌ها، معناداری آماری آن‌ها و در صورت اقتضاء برزندگی آن‌ها به منظور نیل به شناختی پیشرفته است. لازم است در گزارش تحقیق به رویکردهایی که یافته‌های در خور به بار نیاورده نیز اشاره کرد. فقدان آشکار ساختار نیز ممکن است به اندازه حضور آن دارای اهمیت باشد و از اینرو نباید آن را به نفع دیگری عیان ساخت.^{۱۱} آخرین مرحله تحلیل یا به ارائه یک نظریه می‌انجامد و یا دست کم داده‌های گردآوری شده، توصیف می‌شود. فرق نظریه و توصیف در این است که در نظریه از مفاهیم استفاده می‌شود. داده‌های مشابه دسته‌بندی می‌شوند و عنوان مفهومی را به خود می‌گیرند. این بدان معنا است که داده‌ها تعبیر و تفسیر می‌شوند. تفاوت دوم، این است که مفاهیم به وسیله اظهارات مبتنی بر روابط به همدیگر متصل می‌شوند. در توصیف، داده‌ها بنا بر موضوعی خاص سازمان می‌یابند. موضوع‌ها ممکن است نوعی مفهوم پردازی داده‌ها باشند، اما به احتمال قوی خلاصه‌ای از واژگانی هستند که به طور مستقیم از داده‌ها اخذ شده‌اند. در این حالت، تعبیر از داده‌ها حتی در صورتی که تعبیری انجام شود، در حداقل است و تلاشی جهت مربوط ساختن موضوع‌ها برای ایجاد یک طرح مفهومی صورت نمی‌گیرد.^{۱۲}

۳. روش کار در پژوهش حاضر

پیش از شروع مطالعه احادیث، گردآوری آن‌ها به صورتی که اطمینانی نسبی حاصل شود که جمع‌آوری کاملی صورت گرفته، ضروری است. به همین منظور کلیه منابعی که در طول تاریخ تلاش کرده‌اند، گردآوری کاملی از احادیث قدسی ارائه دهند، شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت. مهم‌ترین این منابع عبارت‌اند از: *الجواهر السنّیة فی الاحادیث القدسیة*، تألیف شیخ حرّ عاملی؛ *کلمة الله*، تألیف سید حسن شیرازی؛ *مشکاة الانوار فی ما روی عن الله سبحانه من الاخبار*، تألیف ابن عربی؛ *الاحادیث القدسیة*، تألیف یحیی بن شرف نووی؛ *المقاصد السنّیة فی الاحادیث الالهیة*، از ابوالقاسم علی بن بلبان مقدسی ناصری کرکی؛ *معجم الاحادیث القدسیة الصحیحة و معها الاربعون القدسیة*، از نورالدین علی بن سلطان محمد قاری. مجموع احادیث جمع‌آوری شده از منابع، بالغ بر ۴۱۰۰ حدیث است که پس از

۱۱. تحلیل محتوا؛ مبانی روش‌شناسی، ص ۲۴۳.

۱۲. اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ص ۲۹.

چند مرحله حذف، از میان آن‌ها بیش از ۱۰۳۰ حدیث به جهت تحلیل و دسته‌بندی موضوعی گزینش شد. در مرحله بعد بیش از ۲۶۰ حدیث از کل این احادیث، در موضوع اخلاق رده‌بندی شده و مبنای کار پژوهش کنونی قرار گرفت.

پس از درج کلیه احادیث قدسی در جداول اکسل و مطالعه آن، با نگاهی گذرا «جهت گیری اصلی» احادیث تعیین گردید. احادیثی که جهت گیری اصلی آن «اخلاق» است، موضوع مورد مطالعه پژوهش حاضر است. علاوه بر این ستونی مجزا جهت انتخاب موضوع اصلی احادیث به جدول اضافه شده و با دقت در متن حدیث، موضوع اصلی آن که الزاما با جهت گیری حدیث در ارتباط است و به عبارت دیگر موضوعات اخلاقی، انتخاب گردید. نتیجه این موضوع دهی و نیز معرفی بیشترین فراوانی موضوعات اخلاقی، ذیل بند تحلیل محتوای کمی و در قالب نمودار ارائه خواهد شد. در مرحله بعد تحلیل کیفی و استخراج پیام‌های آشکار و نیز پیام‌های نهفته در حدیث تحت عنوان موضوعات فرعی انجام گردید. مرحله پایانی، توصیف نظام مند تحلیل‌های کیفی با توجه به نمودارهای تحلیل کمی و نیز جداول تحلیل کیفی است. نتیجه این مرحله نیز به شکل مدل‌هایی ذهنی نمایش داده می‌شود. از آن‌جا که تنوع موضوعی در رده اخلاق بسیار زیاد و بنا بر این، پرداختن به تمامی این موضوعات، خارج از توان و ظرفیت این نگارش است، تنها موضوعات «ذکر» و «طاعت» و «انفاق» که دارای بیشترین فراوانی است، مورد مطالعه دقیق تر قرار گرفته و نظام ارتباط با خدا بر مبنای پیام‌ها و آموزه‌های احادیث این سه رده موضوعی تصویر می‌شود. اگرچه این نظام اجزای متنوع و گوناگونی دارد، اما ساختمان اصلی و قوام آن متکی به این سه موضوع است.

۱-۳. تعریف پارامترهای جدول

تحلیل کمی و کیفی، جهت سهولت در مطالعه احادیث، با ترسیم جدولی در نرم افزار اکسل انجام شد، لذا تعریف پارامترهای آن به منظور درک بیشتر از این روش ضروری می‌نماید.

۱-۱-۳. جهت گیری اصلی

منظور از جهت گیری همان‌طور که از نامش پیداست، تعیین کلی‌ترین موضوع یک حدیث و جهتی است که مورد اشاره حدیث است. جهت گیری احادیث مورد مطالعه در این پژوهش، رحمت خداوند است.

۲-۱-۳. موضوع اصلی

موضوع اصلی، محتوای کلی یک حدیث است که تحت یک عنوان کوتاه معرفی می‌شود، به طوری که مخاطب بتواند در یک نگاه، پیام آن حدیث را دریابد، هر چند به جزئیات آن دست نیابد.

۳-۱-۳. موضوعات فرعی

موضوعات فرعی، درونی‌ترین و جزئی‌ترین لایه تحلیل‌اند که به صورت جملات کوتاه خبری عنوان می‌شوند و باید نشان دهنده پیام‌های آشکار و پنهان حدیث باشند. به عبارت دیگر، پیام‌های حدیث هر چه جزئی‌تر از متن آن و در قالب جملاتی کوتاه و خبری استخراج شده و تحت عنوان موضوعات فرعی در جدول قرار می‌گیرند. الگوی زیر، نمونه جدول‌های تحلیل کیفی است.

ردیف	حدیث	جهت‌گیری اصلی	موضوع اصلی	موضوعات فرعی

۴. تعریف حدیث قدسی

به نظر می‌رسد اولین کسی که تعریفی از حدیث قدسی به دست داده، میرسید شریف جرجانی (م ۸۱۶ق) است. وی در کتاب *التعريفات* در این باره می‌نویسد:

حدیث قدسی از حیث معنا از جانب خداوند است و از حیث لفظ از جانب حضرت رسول. خداوند به طریق الهام یا خواب به پیامبرش اخبار می‌دهد، اما پیامبر با الفاظ خود از آن معنا خبر می‌یابد. بنا براین، قرآن افضل از حدیث قدسی است که لفظش نیز از جانب خداست.^{۱۳}

همین معنا را ابوالبقاء در دانشنامه خود، *معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویه*، ذکر کرده و سپس به نقل از طیبی می‌نویسد:

قرآن، همان لفظی است که جبرئیل بر پیامبر نازل کرد و حدیث قدسی، خبر دادن معنایی توسط خداوند بر پیامبر در خواب یا به طریق الهام است که پیامبر

۱۳. *التعريفات*، ص ۱۴۶.

آن را با الفاظ و عبارات خود بر مردم می خوانند، ولی سایر احادیث به خدا نسبت داده نشده و از او روایت نمی شود.^{۱۴}

تهانوی نیز پس از تقسیم حدیث به دو نوع نبوی و الهی به بیان دیدگاه چلپی درباره حدیث قدسی می پردازد:

احادیث الهی، احادیثی هستند که خدا بر پیامبر اکرم در شب معراج وحی کرده و «اسرار وحی» نامیده می شود.

تهانوی بعد از آن با تقسیم کلام خدا به سه قسم، حدیث قدسی را قسم سوم دانسته و آن را حدیثی برمی شمرد که به نقل واحد از پیامبر به دست مخاطب رسیده که گاهی به خداوند نسبت داده می شود؛ چون متکلم آن خداست و گاهی به پیامبر چون ناقل آن است. تهانوی معتقد است در کیفیت نزول حدیث قدسی هیچ گونه انحصاری نیست؛ معانی ممکن است در خواب نازل شود و یا به قلب پیامبر القاء شود، چه با واسطه جبرئیل یا بی واسطه او.^{۱۵}

صبحی صالح نیز به همین ترتیب حدیث قدسی را چیزی ما بین قرآن و حدیث عادی دانسته و به «حدیث الهی» و «حدیث ربانی» به عنوان دو نام برای حدیث قدسی اشاره می کند.^{۱۶}

مهم ترین نکته در نقد این تعاریف این است که هیچ کدام از آن ها برای تعریف این دسته از احادیث به خود احادیث مراجعه نکرده و در تعریفش هیچ اشاره ای به موضوعات و محتوای آن ها نداشته اند، بلکه حداکثر استناد ایشان به احادیث در باب تعریف آن، استناد به سند آن هاست. حال آن که اگر تلاش می شد که حدیث قدسی بر اساس محتوای آن چه تا کنون به این عنوان شهرت یافته، تعریف شود، مرز آن با قرآن بسیار روشن ترمی نمود و نیازی نبود برای اثبات برتری قرآن و تفاوت آن با حدیث قدسی به حدس و گمان متوسل گردید.

۵. موضوعات مطرح در احادیث قدسی

اولین دستاورد اجرای روش تحلیل محتوا، گرد آوردن احادیث ذیل یک عنوان و تمرکز

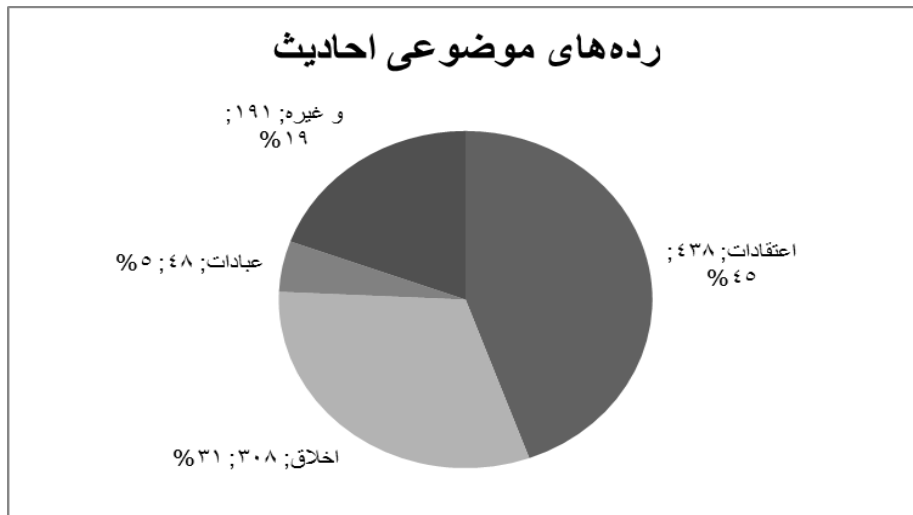
۱۴. معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویة، ج ۴، ص ۳۸.

۱۵. کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۲۸۱-۲۸۰.

۱۶. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۲۳-۱۲۲.

بخشیدن به پراکندگی های آن هاست. نمودار ۱، موضوعات احادیث را در چهار دسته اصلی به نمایش می گذارد.

نمودار ۱: فراوانی کلان رده های موضوعی



نمودار فوق نشان می دهد که از میان اقسام تعالیم اسلامی، مهم ترین موضوع از دیدگاه احادیث قدسی، اعتقادات و سپس اخلاق است. رده «عبادات» کمترین حجم احادیث را به خود اختصاص داده است. نکات برآمده از این نمودار را می توان به شکل زیر خلاصه کرد:

۱. فزونی اهمیت حوزه نظر نسبت به حوزه عمل.
 ۲. فزونی اهمیت اعتقادات نسبت به عبادات و احکام عملی.
 ۳. پیش نیاز بودن حوزه نظر نسبت به حوزه عمل.
 ۴. اهمیت قابل توجه احادیث اخلاقی.
 ۵. ارتباط نزدیک دو موضوع اعتقادات و اخلاق در تعالیم قدسی.
- گفتنی است نکات گفته شده به عنوان احتمالات برآمده از نمودار مطرح شده و بررسی میزان قوت این احتمالات در بند «تحلیل توصیفی» قابل بررسی است.

۱-۵. جایگاه اخلاق در احادیث قدسی

احادیث قدسی در بخش اخلاق در مقام معلمی دلسوز و مهربان هشدار می دهد، اما نه تهدید وحشت زا و دفع کننده، بلکه با همان زبان نرم و آرام دهنده که بشارت می دهد، انذار

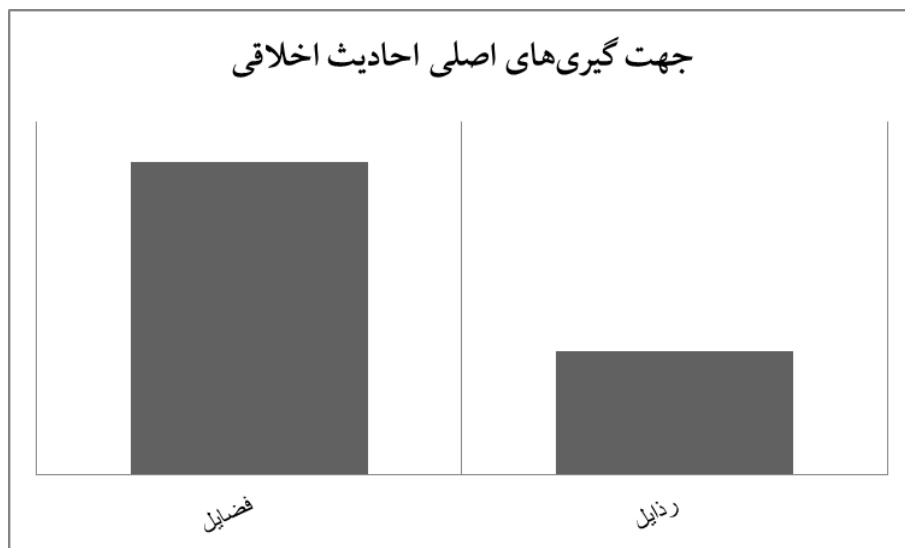
می‌کند. در مجموع، بیشترین حجم احادیث در این بخش به فضایل اخلاقی اختصاص دارد؛ به این معنا که احادیث قدسی تلاش می‌کند با زبان تبشیر، شعور آدمی را به درجه‌ای از کمال برساند که خود از زشتی‌های اخلاقی پرهیز کند.

در این بخش به تحلیل نمودارهای مربوط به احادیث قدسی اخلاقی به عنوان دومین موضوع پرتراکم این احادیث پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. تحلیل محتوای کمی احادیث اخلاقی

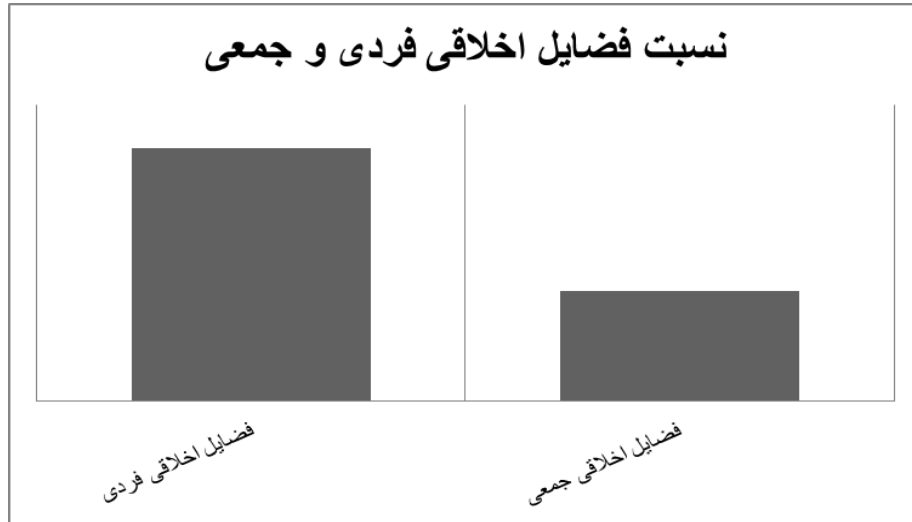
در باب اخلاق، پس از موضوع دهی به احادیث، به دلیل تنوع فراوان این موضوعات، با تقسیم‌بندی آن به فضایل و رذایل، به نوعی پراکندگی احادیث سامان بخشیده شد.

نمودار ۲: فراوانی جهت‌گیری‌های اصلی اخلاقی



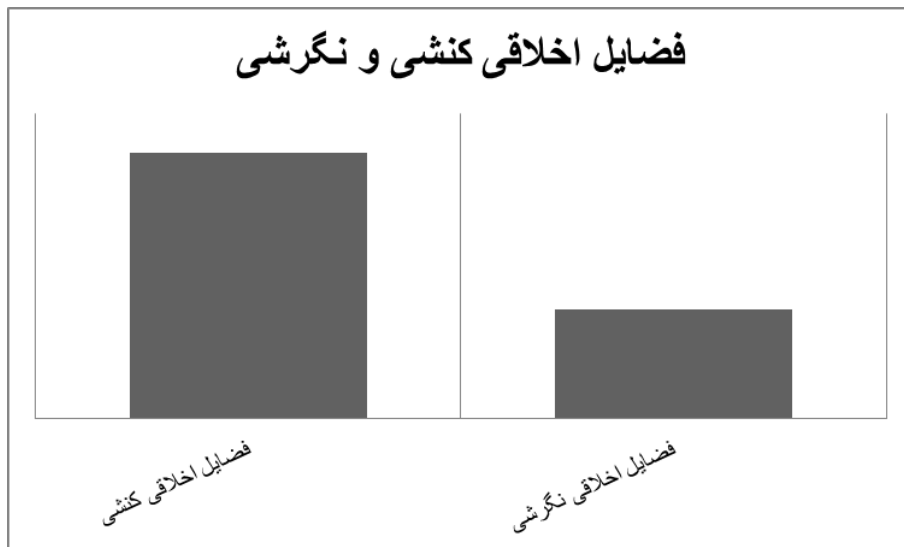
آمار احادیثی که به فضایل اخلاقی می‌پردازد، بیش از دو برابر رذایل اخلاقی است. این تفاوت فراوانی بین فضایل و رذایل اخلاقی نشان‌دهنده دیدگاه احادیث قدسی در باب تربیت آدمی در حوزه عمل و رفتار است. از نظرگاه این دسته از احادیث، بهترین راه برای تربیت انسان در حوزه اخلاق تأکید بر آموزه‌های اخلاقی مثبت است. رذایل در این دسته از احادیث، حجم کمتری از احادیث را به خود اختصاص داده و از تنوع موضوعی کمتری نیز برخوردار است.

نمودار ۳: فراوانی موضوعات اصلی فضایل اخلاقی



در مرحله بعد به علت این که بیشترین حجم احادیث اخلاقی مربوط به فضایل اخلاقی است، این دسته از احادیث مرکز توجه قرار گرفت. به منظور ایجاد سهولت در مطالعه احادیثی که بیشترین تنوع موضوعی را داراست، نوعی دسته بندی دیگر درباره این احادیث انجام شده و آن را به احادیث «فردی» و «جمعی» تقسیم نمود. همان گونه که نمودار گویاست، تکیه احادیث بر تربیت فردی است. پیام احادیث قدسی در باب تربیت، توجه دو چندان نشان دادن به حوزه اخلاق فردی است. روشن است که علت اصرار احادیث بر این نوع آموزش، تأثیر اصلاح فرد در اصلاح جامعه است.

نمودار ۴: فراوانی موضوعات اصلی فضایل اخلاقی



همچنان که پیش از این گفته شد، فضایل اخلاقی به لحاظ موضوع بسیار متنوع است و لذا تحلیل آن‌ها بدون انجام دسته‌بندی‌های متنوع امکان‌پذیر نیست؛ از این رو تصمیم بر آن شد که این دسته از احادیث از زاویه‌ای دیگر نیز مطالعه شود. حاصل این تغییر جهت در مطالعه احادیث، تقسیم‌بندی آن به دو حوزه «کنشی» و «نگرشی» است. فضایل اخلاقی کنشی، احادیثی است که مخاطب را به انجام عملی دعوت می‌کند، مانند اطعام مساکین، اما احادیث اخلاقی نگرشی، به احادیثی گفته می‌شود که به اصلاح دیدگاه‌های فرد می‌پردازد؛ به عنوان مثال می‌توان احادیثی با موضوع «رضا» را جزء فضایل اخلاقی نگرشی به حساب آورد؛ چرا که رضا هر چند نمود خارجی دارد، اما فی‌نفسه، نشان‌دهنده تغییر نگرش فرد است. در مقابل موضوعاتی مثل اطعام مساکین، مخاطب را به یک عمل عینی دعوت می‌کند. هر چند در این باره هم تغییر نگرش مطرح است، اما ملاک این تقسیم‌بندی این است که در هر کدام از این دو رده، کدام جنبه اهمیت بیشتری دارد.

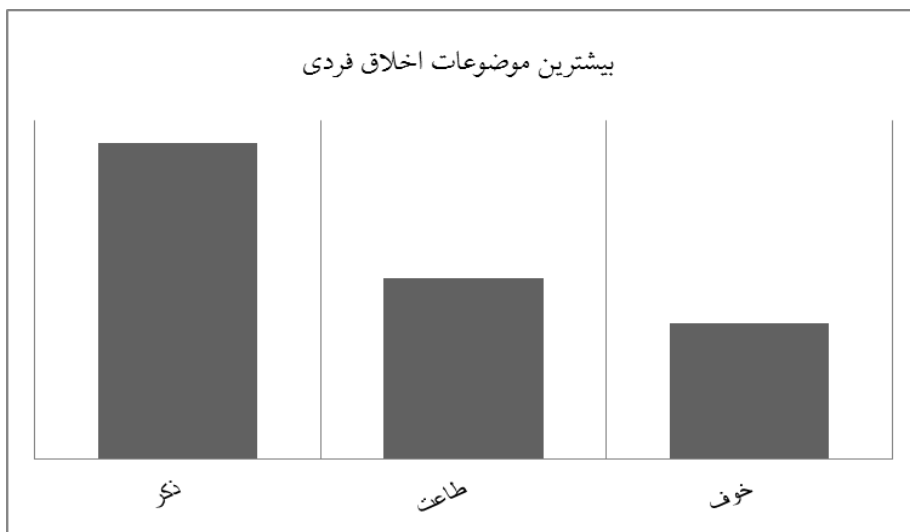
نمودار فوق نشان می‌دهد که تأکید احادیث قدسی بر فضیلت‌هایی است که بر عمل فرد تمرکز دارد. نزدیک به دو سوم فضایل اخلاقی، به اصلاح انسان در حوزه عمل اشاره دارد. دلیل این تأکید می‌تواند، نوع مخاطب احادیث باشد. مهم‌تر از آن، به این وسیله اهمیت فوق‌العاده عمل را نشان داده و از یکی از بدترین رذایل اخلاقی پرهیز می‌دهد که اگر تغییر و

اصلاح دیدگاه به تغییر و اصلاح عمل نینجامد، فرد به ورطه نفاق سقوط می‌کند.

۱-۱-۵. موضوعات اصلی فضایل اخلاقی

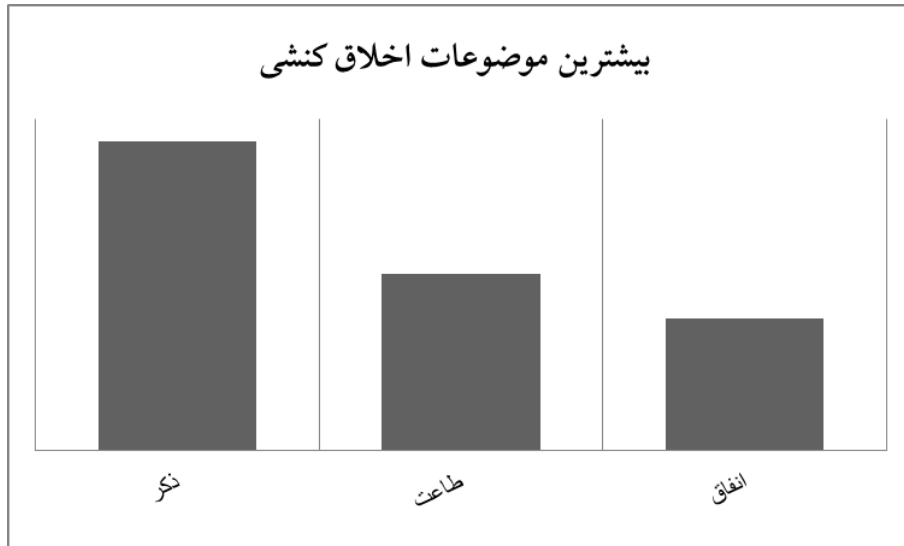
با تحلیل نمودارهای ۳ و ۴ روشن شد که اهمیت فضایل اخلاقی فردی بیش از فضایل جمعی است. به همین دلیل تمرکز در این بخش بر این دسته از احادیث قرار می‌گیرد و فراوان‌ترین موضوعات اصلی آن استخراج می‌شود.

نمودار ۵: فراوانی موضوعات اخلاق فردی



با توجه به تنوع فراوان موضوعات اخلاق فردی و با عنایت به این که مهم‌ترین دیدگاه‌های احادیث را می‌توان با مطالعه موضوعات پرتراکم بدست آورد، ترجیح داده شد که این بخش به ارائه نمودار موضوعاتی که بیشترین فراوانی را داراست، اختصاص یابد. براساس نمودار ۵، ذکر خدا بیشترین تأثیر را در حوزه اخلاق فردی دارد و طاعت و خوف در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. این امر، اهمیت و نقش ارتباط با خدا را در ارتقای اخلاق فردی نشان می‌دهد.

نمودار ۶: فراوانی موضوعات اخلاق کنشی



در حوزه اخلاق کنشی نیز به همان ترتیب پیش گفته، موضوعاتی که بیشترین فراوانی اخلاقی را دارا بود، از جداول استخراج شده و براساس آن نمودار ۶ ترسیم گردید. در این حوزه نیز موضوع «ذکر» بیش از هر موضوع دیگری اهمیت دارد و طاعت و انفاق در رده‌های بعدی قرار می‌گیرد. نتیجه جالب توجهی که از مقایسه دو نمودار ۵ و ۶ به دست می‌آید، اشتراک این نمودارها در دو موضوع اول است که از اهمیت یکسان دو قید «فردی» و «کنشی» در باب فضایل اخلاقی حکایت دارد. به عبارت دیگر، انسان در امر اصلاحات اخلاقی در حوزه اخلاق عملی نیز باید بیش از توجه به اجتماع، بر اصلاح خود تمرکز داشته باشد و اخلاق عملی فردی را ارتقا بخشد. این بخش از احادیث یادآور می‌شود که هر فرد موظف به اصلاح خویش است؛ چرا که با اولین گامی که در مسیر اصلاح خویش برمی‌دارد، اصلاح جامعه را که وظیفه تمام افراد حاضر در آن جامعه است، رقم می‌زند. در حقیقت احادیث قدسی نیز به سان آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»^{۱۷} معتقد است برای اصلاح جامعه، هر فرد باید در اصلاح خویش بکوشد؛ به این ترتیب علاوه بر این که از انحراف دیگران تأثیر نمی‌پذیرد، می‌تواند راهنمایی نیز برای آن‌ها محسوب شود. نتیجه‌ای که از ظاهر آمار ارائه شده به دست می‌آید، این است که ذکر و طاعت و انفاق،

۱۷. سوره مائده، آیه ۱۰۵.

هر سه مسیر ارتباط با خدا را هموار می‌کنند، اما ضریب تأثیر این چند عمل متفاوت است. به منظور دست‌یابی به قرینه‌ای برای قوت این احتمال، موضوعات فرعی مطالعه و دسته‌بندی شد. مطالعه دقیق احادیث این موضوعات و نیز تحلیل موضوعات فرعی آن‌ها در بند تحلیل محتوای توصیفی ارائه شده و از این رهگذر مدل نظام ارتباط با خدا دست می‌آید.

۵-۱-۲. تحلیل محتوای کیفی احادیث اخلاقی

احادیث این رده به دو دسته فضایل و رذایل اخلاقی تقسیم می‌شود. فضایل اخلاقی، بیشترین حجم احادیث این رده را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین نکته‌ای که احادیث این بخش به آن اشاره می‌کند، ارتباط با خداست. فضایل اخلاقی در حقیقت راه‌های ارتباط با خدا را آموزش می‌دهد و رذایل، موجبات انحراف از مسیر حق را یادآور می‌شود.

راه‌های ارتباط با خدا از دیدگاه احادیث قدسی فراوان است. قوت تأثیر این راه‌ها با هم برابر نیست، بعضی باید با هم به کار گرفته شوند تا راهرو را به مقصد برسانند، پایان برخی راه‌ها با آغاز برخی دیگر مصادف است، بعضی از این راه‌ها در ادامه دیگری است و برخی نیز مصداقی برای برخی دیگر است؛ به عنوان مثال ذکر، راهی است که از دیدگاه احادیث قدسی کامل‌ترین راه است و می‌تواند به تنهایی به مقصد برساند. راهرو با ذکر وارد یک چرخه شده و با طی مراحل به مقصد می‌رسد. طاعت، اما در کنار ذکر و مصداقی برای آن است. ذکر و طاعت و انفاق، سه راه از بهترین راه‌هایی است که احادیث قدسی برای رسیدن به خدا معرفی می‌کند. منازلی که رهرو باید در این سه راه طی کند، در بخش بعدی و در قالب نمودارهایی تشریح می‌شود.

جدول ۱، تحلیل‌های کیفی احادیث حوزه اخلاق را به صورت نمونه نشان داده و شکل کامل آن در بخش ضمیمه ارائه می‌شود.

جدول ۱: تحلیل کیفی احادیث اخلاقی

ردیف	حدیث	موضوع اصلی	موضوعات فرعی
۱	یا عبادی، انی حرمت الظلم علی نفسی و جعلته بینکم محرماً فلا تظالموا	ظلم	گفت‌وگویی بی‌واسطه خدا با انسان // تحریم ظلم برای خدا و انسان از سوی خدا // پرهیز از ظلم در روابط بین انسان‌ها // ضرورت اتصاف به صفات الهی

ردیف	حدیث	موضوع اصلی	موضوعات فرعی
۲	بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ جَالِسًا إِذْ رَأَيْنَاهُ يَضْحَكُ حَتَّى بَدَتْ ثَنَابِيَهُ فَقَالَ عُمَرُ مَا اضْحَحَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، بَابِي أَنْتَ وَامِي؟ فَقَالَ رَجُلَانِ مِنْ أُمَّتِي جَثِيًّا بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّي فَقَالَ أَحَدُهُمَا يَا رَبِّ خُذْ لِي بِمِظْلَمَتِي مِنْ أَخِي فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَعْطِ أَحَاكَ مِظْلَمَتَهُ فَقَالَ يَا رَبِّ لَمْ يَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِي شَيْءٌ فَقَالَ يَا رَبِّ فُلْيُحْمِلْ عَنِّي مِنْ أَوْزَارِي	حق الناس	تأکید بر ادای حق الناس در روز قیامت با حسنات بدهکار و سیئات طلبکار // اشاره به شدت و دقت در امر محاسبه اعمال // اشاره به تأکید خدا در پرسش از حق الناس و ادای آن
۳	يقول الله عزوجل ابن آدم، اذا ذكرنتني شكرتني	ذکر	گفت وگویی بی واسطه انسان با خدا // تأکید بر رابطه این همانی یاد خدا و شکر خدا
۴	قال الله عزوجل انفق أنفق عليك	انفاق	اشاره به نقش انفاق در برخورداری از رحمت خدا // ارحم ترحم // عطای الهی، اثر وضعی انفاق
۵	ان الله عزوجل يقول انا مع عبدي اذا ذكرني وتحركت بي شفتاه	ذکر	هرکس به یاد خدا باشد، خدا با اوست // هرکس خدا با او باشد، او به یاد خداست // نقش اراده خدا در ذکر // اشاره به اهمیت ذکر دائمی
۶	إِنَّ هَذَا دِينَ ارْتَضِيْتَهُ لِنَفْسِي وَلَنْ يَصْلِحَهُ إِلَّا السَّخَاءُ وَحَسَنُ الْخَلْقِ فَأَكْرَمُوهُ بِهِمَا مَا صَحَبْتُمُوهُ	سخاوت و حسن خلق	تأکید بر سخاوت و حسن خلق به عنوان پایه های دین اسلام // توصیه به بزرگداشت اسلام با سخاوت و حسن خلق // اشاره به قوت تأثیر سخاوت و حسن خلق در جذب مردم به اسلام // توصیه به اکرام همیشگی دین اسلام
۷	اوحى الله عزوجل الى موسى انك لن تتقرب الى بشيء احب الى من الرضا بقضايي	رضا	دوست داشتنی ترین وسیله تقرب به خدا نزد خدا، رضا به قضای اوست // اشاره به اهمیت رضای انسان به قضا نزد خدا // اشاره به اشتیاق خدا به رابطه نزدیک با انسان

ردیف	حدیث	موضوع اصلی	موضوعات فرعی
۸	لما خلق الله الارض جعلت تمیید فخلق الجبال فعاد بها غلیها فاستقرت، فعجبت الملائکه من شده الجبال فقالوا یا رب هل من خلقک شی اشد من الجبال قال نعم الحديد، قالوا یا رب فهل من خلقک شی اشد من الحديد قال نعم النار قالوا یا رب فهل من خلقک شی اشد من النار قال نعم الماء فقالوا یا رب فهل من خلقک شی اشد من الماء قال نعم الريح قالوا یا رب فهل من خلقک شی اشد من الريح قال نعم ابن آدم، تصدق بصدقہ بیمینه یخفیها من شماله.	انفاق	اشاره به مظاهر آفرینش و استحکام آن‌ها // اشاره به رضایت خدا از پنهان کردن عمل صالح // اشاره به اهمیت و جایگاه صدقه نزد خدا // تأکید بر مناعت طبع به عنوان صفت خدا پسند انسان
۹	قال الله عزوجل انا عند ظن عبدي بی وانا معه حین یدکرنی، إن ذکرنی فی نفسہ ذکرته فی نفسی وإن ذکرنی فی ملاً ذکرته فی ملاً خیر منهم	ذکر	هرکس یاد خدا کند، خدا با او است // فزونی کیفیت یاد خدا از انسان نسبت به یاد انسان از خدا // ارتباط مستقیم یاد خدا از انسان و یاد انسان از خدا // هرکس خدا با او باشد، او به یاد خداست
۱۰	قال الله تعالى یا داود حذر بنی اسرائیل اکل الشهوات فان القلوب المعلقه بالشهوات عقولها محجوبه عنی	شهوت رانی	خداوند با داود وارد گفت وگویی صمیمانه می‌شود // خداوند، انسان را از تن پروری برحذر می‌دارد // شهوت، یکی از حجاب‌های ظلمانی انسان است // هرکس غرق در شهوت باشد، خدا را درک نخواهد کرد // درک خدا با عقل میسر است

۵-۱-۳. تحلیل محتوای توصیفی احادیث اخلاقی

پس از اعتقادات، اخلاق بیشترین حجم احادیث قدسی را به خود اختصاص می‌دهد. همان گونه که نمودارهای تحلیل کمی نشان می‌دهد، احادیث اخلاقی به دو دسته اصلی «فضایل» و «رذایل» تقسیم می‌شود و طبق آمار این نمودارها، فضایل اخلاقی بیش از رذایل مورد توجه احادیث قدسی است. نتیجه دیگری که از این آمار به دست می‌آید، فراوانی فضایل فردی اخلاقی است. احادیث قدسی بیش از دو برابر اخلاق جمعی به اخلاق فردی پرداخته است. براین اساس تلاش احادیث قدسی معطوف است بر اصلاح فرد که آن را

مقدمه اصلاح جامعه می‌داند. در عین حال به تعامل مثبت و سازنده فرد با جامعه نیز تأکید بسیار دارد و معتقد است که نجات جامعه به دست فرد فرد افراد ممکن است. بنا بر این، از نظرگاه احادیث قدسی حاصل ارتباط با جامعه، اصلاح جامعه است. از سوی دیگر و بر اساس آن چه از احادیث آموخته می‌شود، اصلی‌ترین هدف احادیث اخلاقی، ایجاد و بهبود ارتباط بنده با خداست. احادیث، خدا را بسیار مشتاق چنین رابطه‌ای می‌داند و تأکید دارد که خداوند همواره چشم انتظار بازگشت آدمی به جوار رحمت است. احادیث اخلاقی نقشه راه است و گام به گام همراه انسان در پیمودن این مسیر.

با توجه به تنوع فراوان موضوعات اخلاقی، این نگارش تلاش می‌کند با مطالعه دقیق موضوعات فرعی مقولاتی که دارای بیشترین فراوانی است، اصلی‌ترین پایه‌های نظام ارتباط با خدا را معرفی کند. نظریه این که در روش تحلیل محتوا به ویژه با حجم داده‌ها و اطلاعاتی زیاد، عموماً موضوعاتی که دارای بیشترین فراوانی است، مورد تحلیل دقیق و جزئی ترقرار می‌گیرند، پژوهش حاضر نیز بر آن است تا بر اساس نمودارهای کمی، موضوعات فرعی سه مقوله «ذکر» و «طاعت» و «انفاق» را در جداولی مجزا ارائه کرده و به تحلیل دقیق آن پردازد تا نهایتاً به مدل نظام ارتباط با خدا دست یابد.

۱-۳-۱-۵. ذکر

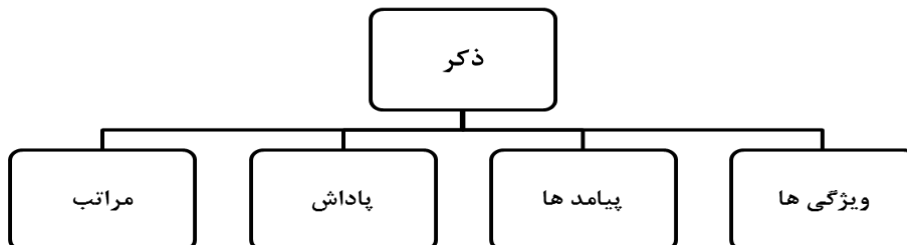
به منظور دست‌یابی به جایگاه ذکر در نظام ارتباط با خدا احادیث اخلاقی با موضوع ذکر از جداول تحلیل کیفی مجزا گردیده است. جدول ۲، نمونه‌ای است از این جداول که به دلیل حجم بالای آن و با تکیه بر موضوعات فرعی، به طور خلاصه در نمودار ۷ نمایش داده می‌شود. بررسی موضوعات فرعی حاکی از این است که احادیث بیش از همه از ویژگی‌ها و پاداش ذکر سخن می‌گویند و اندکی نیز به مراتب یا مصادیق ذکر می‌پردازد.

جدول ۲: موضوعات فرعی ذکر

ردیف	موضوعات فرعی	مقوله
۱	تأکید بر رابطه این همانی یاد خدا و شکر خدا	رابطه ذکر و شکر
۲	هرکس به یاد خدا باشد، خدا با او است	همنشینی خدا با ذاکر
	هرکس خدا با او باشد، او به یاد خداست	

ردیف	موضوعات فرعی	مقوله
	نقش اراده خدا در ذکر	
	اشاره به اهمیت ذکر دائمی	
۳	ارتباط مستقیم یاد خدا از انسان و یاد انسان از خدا	ذکر خدا از ذاکر
۴	تأکید بر همنشینی خدا با ذاکر	اهمیت ذکر دائمی
	فاصله با خدا، نتیجه فراموش کردن خدا	
	ذکر دائمی، بهترین اعمال نزد خداوند	
5	معیار بندگی، ذکر است	معیار بندگی
	بنده مطلق، دائما در ذکر خداست	
6	اشتقاق ملائکه به شناخت اهل ذکر	تأثیر ایمان در کیفیت ذکر
	حمایت ملائکه از اهل ذکر	
	عبادت عاشقانه اهل ذکر با وجود حجاب دنیا	
	ایمان قلبی اهل ذکر به خدا	
	اطمینان اهل ذکر به وعده و وعیدهای خداوند	
	فزونی اشتیاق اهل ذکر به خدا و نعمتهایش بعد از رفع حجاب	
	اشاره به نقش ذکر در برخورداری از رحمت خدا	
	تابش نور وجود اهل ذکر به دیگران و بهره مندی آنها	
7	یاد خدا، طاعت اوست	مغفرت، ذکر خدا از انسان
	مغفرت، یاد خدا از بنده مطیع	
	بیزاری خدا از بنده گناهکار	

نمودار ۷: مقوله ذکر



از مطالعه دقیق موضوعات فرعی مقوله ذکر نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. ذکر، فریندی است که طی آن ذاکر در حضور خدا قرار می‌گیرد. هر عملی که خدا را و حضور پررنگش در جهان خلقت را به یاد انسان بیاورد، ذکر است و شرط آن اخلاص. تنها عاملی که موجب می‌شود عمل انسان در این دنیای بی اعتبار ارزش یابد و به توشه‌ای برای زندگی باقی تبدیل شود، اخلاص است و عمل با اخلاص، با هرچه تفاوت در کم و کیف، ذکر محسوب می‌شود.

۲. چرخه ذکر از خدا آغاز می‌گردد و به خدا نیز ختم می‌شود. آغاز ذکر هر چند به ظاهر از جانب انسان است، اما الهام آن نعمتی از سوی خداوند محسوب می‌گردد. تأثیر اراده خدا در شکل‌گیری و تداوم چرخه ذکر به معنای نفی تأثیر عملکرد انسان در این چرخه نیست. اهمیت عملکرد انسان در چرخه ذکر از آن جا روشن می‌شود که ذکر را معیار بندگی می‌داند؛ به این معنا که هر کس طالب بندگی است، باید از مسیر ذکر به آن دست یابد. از سوی دیگر ذکر را ویژگی اولیاء و دوستان خدا معرفی می‌کند؛ بنا بر این، ذکر مقامی است که هر کس نمی‌تواند ادعای آن را داشته باشد و دست کم باید گفته شود که دارای مراتب است و بالاترین آن نصیب اولیاء الله می‌شود.

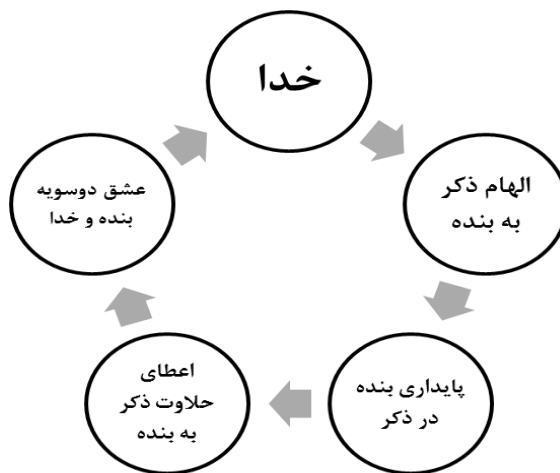
۳. برخی از مراتب ذکر که در احادیث نام برده شده، از این قرار است: کرامت، شکر، طاعت و عبادت. نکته‌ای که درباره کرامت قابل ذکر است این که، ذکر فقط در ارتباط خصوصی بنده و خدا نیست بلکه در متن جامعه نیز باید در جست‌وجوی آن بود.

۴. از آن جا که خداوند همیشه شکرگزار اعمال انسان است، درباره ذکر نیز پاداش‌هایی در نظر گرفته است که به نظر می‌رسد با توجه به مراتب مختلف ذکر، پاداش آن هم دارای مراتب

گوناگونی باشد. آن چه به عنوان پاداش ذکر در احادیث مورد توجه قرار گرفته، عبارت است از: کفایت مهمات، اجابت دعا، مغفرت، بهشت، همنشینی و انس با خدا. به نظر می‌رسد ترتیب گفته شده بتواند مراتب ذکر و پاداش آن را نشان دهد.

۵. صرف نظر از این که ذکر الهامی از جانب خداست، هرگاه انسان یاد خدا کند، خدا نیز یاد او می‌کند و یاد او به پاداشی است که برای ذکر در نظر می‌گیرد. به این ترتیب پیامد هر دو ذکر متوجه انسان است. اگر چرخه ذکر به صورت دائمی تکرار شود، اشتغال به ذکر برای انسان حاصل می‌شود و در نتیجه آن دل به حرم امن الهی تبدیل می‌گردد. سکونت خدا در دل آدمی آن قدر ادامه پیدا می‌کند که دل و دلدار با هم یکی می‌شود. نمودار زیر تحلیل مقوله ذکر را نشان دهد.

نمودار ۸: مدل ذهنی مقوله ذکر



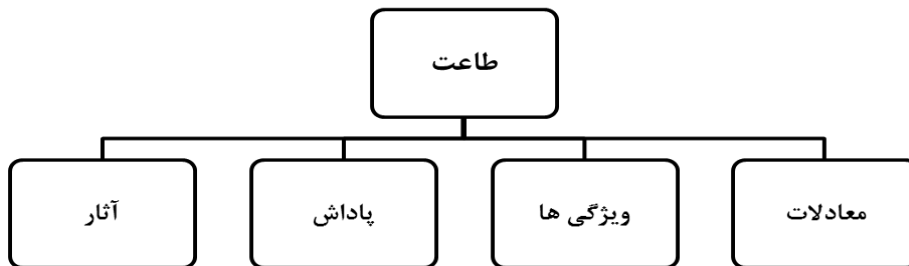
۵-۱-۳-۲. طاعت

به همان ترتیب گفته شده درباره مقوله ذکر، موضوعات فرعی احادیث اخلاقی با موضوع طاعت نیز به جهت مطالعه دقیق آن و سپس تشخیص جایگاه طاعت در نظام ارتباط با خدا استخراج گردیده، پس از ارائه نمونه‌ای از این موضوعات، در قالب نمودار ارائه می‌گردد. بیشترین حجم احادیث طاعت را مقولات مربوط به معادلات طاعت، ویژگی‌ها و پاداش آن تشکیل می‌دهد.

جدول ۳: موضوعات فرعی طاعت

ردیف	موضوعات فرعی	موضوع
۱	نقش طاعت در برخورداری از رحمت الهی	بستر نزول رحمت
	تغییر کیفیت نزول رحمت با عصیان پروردگار	
۲	تأکید بر نقش طاعت در کفایت امور و اجابت دعا	رابطه ذکر و طاعت
	اشاره به این نکته که نتیجه اشتغال به ذکر خدا، حمایت الهی است	
	اشاره به تحویل قلوب به دست خدا	
۳	ضرورت طاعت پروردگار	رحمت
	اشاره به نقش طاعت در برخورداری از رحمت و مغفرت	
۴	طاعت خدا، شکر نعمتهای الهی	یاری مطیع از سوی خدا
	اشاره به ضرورت طاعت و ترک معصیت	
	اشاره به نقش طاعت در برخورداری از حمایت الهی	
	اشاره به عقوبت معصیت	
	اشاره به ناسپاسی انسان و نارضایتی خدا از عصیان	
	ضرورت ارائه برهان در عصیان پروردگار	

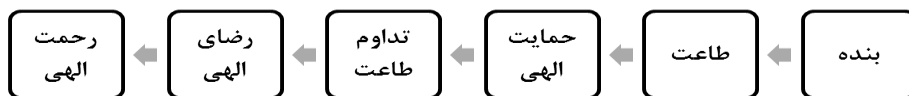
نمودار ۹: مقوله طاعت



حاصل مطالعه و تحلیل موضوعات فرعی مقوله طاعت، تأکید زیاد احادیث بر قوت تأثیر طاعت است، اما احادیث به روشنی نشان می‌دهد که طاعت و میزان تأثیر آن بسی کمتر از ذکر است. در احادیث هیچ نشانی از شروع طاعت از جانب خدا نیست؛ هر چند با حمایت الهی تداوم می‌یابد و اوج قوت آن خدایی شدن است. نتایج زیر از این مطالعه استخراج می‌شود:

۱. طاعت، یک خط سیر است که از بنده آغاز شده و تا مرز خدا پیش می‌رود. بنده را تغییر ماهیت می‌دهد، خدایی می‌کند، اما با خدا یکی نمی‌کند. طاعت به رضایت خدا می‌انجامد و رضایت به رحمت خدا.
۲. بنده باید با طی طریق طاعت به مقصدی برسد، اما وقتی بیراهه می‌رود، رحمت خدا در قالب ابتلائات دنیایی به کمکش آمده و خطایش را جبران می‌کند.
۳. طاعت، یک معامله است بین بنده و خدا. هیچ عاملی جز خدا و بنده نباید در این معامله دخیل باشد (اخلاص). به همین دلیل است که توصیه می‌کند، به جهت جلب نظر بزرگان خود در برابر آن‌ها عجز و لابه نکنید بلکه به درگاه من طاعت آورید تا در ازایش قلوب آن‌ها را به سوی شما متوجه کنم.
۴. مورد معامله، طاعت است و خریدار، خداوند که هم امانت‌دار قابل اعتمادی است و هم غش در معامله نمی‌کند، بهای کالا را کامل می‌پردازد. شأن بنده نیز در این معامله فقط طاعت آوردن است و کفایت آموزش را به دست خدا سپردن. طاعت، حمایت الهی را به دنبال دارد و خداوند وکالت امور مطیع را به عهده می‌گیرد.

۵. طاعت یک نعمت الهی است. هرگاه بنده طاعت خدا کند، خداوند در افزایش توفیق بر طاعت می‌دهد (شکر نعمت، نعمت افزون کند).
۶. طاعت، جبران فقر وجودی انسان است و نیاز او به چشمه رحمت را مرتفع می‌کند؛ پس انسان موظف است بهای نیاز خود را پردازد و هر قدر که احساس نیاز به آن رحمت می‌کند، تلاش کند.
۷. میزان تأثیر طاعت به قدری است که می‌تواند در هر شرایطی سرنوشت بنده را تغییر دهد؛ پس میدان عمل همواره برای بنده باز است و خداوند همیشه پذیرای بنده مطیع.
۸. طاعت مفهومی ذومراتب است. مغفرت و تحریم عذاب، پاداش کسی است که بالاترین مرتبه آن را احراز کرده باشد.
۹. طاعت، زهد و گوشه نشینی را توجیه نمی‌کند و بنده برای کسب شرایط طاعت باید در متن جامعه حضور داشته باشد. طاعت موجب محبوبیت بنده در جامعه است. نمودار زیر تحلیل مقوله طاعت را خلاصه می‌کند.



نمودار ۱۰: مدل ذهنی مقوله طاعت

۵-۱-۳-۳. انفاق

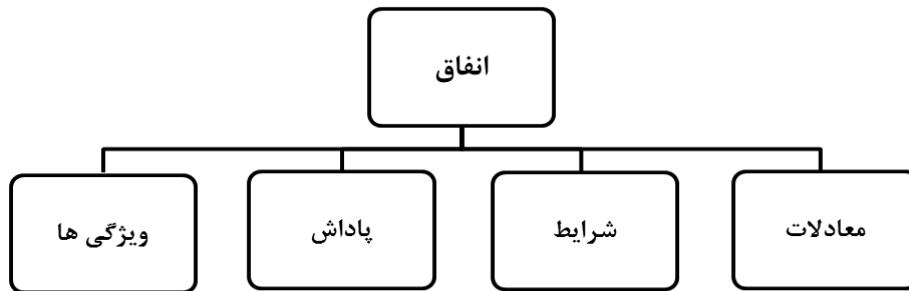
موضوعات فرعی احادیث انفاق نیز همچون دو موضوع گذشته از جداول تحلیل کیفی تفکیک شده و به منظور بررسی و تحلیل دقیق به شکل جدولی که نمونه آن در جدول ۴، نشان داده شده، تهیه گردید.

احادیث انفاق بیش از همه درباره معادلات و شرایط انفاق سخن گفته است. نمودار ۱۱، دسته‌بندی مقولات مستخرج از جدول را نشان می‌دهد.

جدول ۴: موضوعات فرعی انفاق

موضوع	موضوعات فرعی	ردیف
بستر رحمت	اشاره به نقش انفاق در برخورداری از رحمت خدا	۱
	ارحم ترحم	
	عطای الهی، اثر وضعی انفاق	
صفت الهی	انفاق از نعمتهای الهی مورد انتظار است	۲
	اشاره به اهمیت ارتباط با مردم نزد خدا	
	اشاره به انفاق به عنوان شکر نعمت	
شرط توانایی	اشاره به بی نیازی خدا از انفاق انسان	۳
	اشاره به بازگشت کامل اعمال به انسان	
	بخل انسان، فقط به زیان خود اوست	
	اشاره به ضرورت انفاق به شرط توانایی	
	اشاره به پاداش گشاده دستی	
قرض الحسنه به خدا	خداوند با انسان وارد معامله می شود	۴
	در فرایند عمل صالح، انسان باید فقط با خدا معامله کند	
	عمل صالح آن گاه به مقصد می رسد که همه واسطه ها از میان برداشته شوند	
	در فرایند عمل صالح، انسان باید فقط با خدا معامله کند	
اخفاء صدقه	توصیه به پنهان کردن صدقه	۵
	پرهیز از ریا	

نمودار ۱۱: مقوله انفاق



از نظرگاه احادیث قدسی، انفاق بهترین مصداق طاعت است. هرگاه بنده اراده انفاق کند، طاعت خدا را نموده است. ارتباط با خلق، یکی از راهکارهای احادیث قدسی است برای ارتباط با خدا و انفاق یکی از آنهاست. انفاق، عملی است دارای دو جنبه: یکی جنبه ارتباط با خدا و دیگری جنبه ارتباط با خلق و البته جنبه اول را از قبل دومی دارد. نتایج زیر حاصل تحلیل موضوعات فرعی احادیث انفاق است:

۱. انفاق تنها عملی است که خداوند پاداشش را بی واسطه می دهد، معامله خدا و بنده است، واسطه ها را از میان برمی دارد و بنده را برای یکی شدن با خدا آماده می کند. انفاق، صفتی الهی است، انسان را خدایی می کند.

۲. پنهانی عمل کردن هرچند شرط ضروری برای انفاق نیست، اما بسیار مورد تأکید حدیث قدسی است. اخلاص در فرایند انفاق نقش بسیار مهمی دارد. انفاق با اخلاص است که بنده را به خدا نزدیک می کند. بنده باید در انفاق فقط خدا را ببیند و تکیه گاهش، خزانه رحمت الهی باشد.

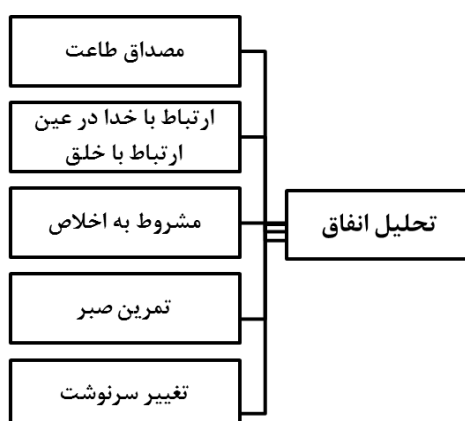
۳. انفاق پنهانی، برخاسته از مناعت طبع است و تنها عملی است که صلاحیت دارد، انسان و استحکام او را توصیف کند.

۴. در فرایند طاعت، انفاق در عمل مقدم بر صبر است. به عبارت دیگر انفاق، پیش نیاز صبر و تسلیم است، تمرین صبر است؛ براین اساس انفاق در مرتبه پایین تری از صبر قرار دارد.

۵. انفاق، سرنوشت را تغییر می دهد. پاداش انفاق کننده، انفاق است و کسی که با انفاق سرنوشت دیگری را تغییر می دهد، خداوند در ازایش سرنوشتش را دیگرگون می کند. نمودار

۱۲، مقوله انفاق را تحلیل می‌کند.

نمودار ۱۲: مدل ذهنی مقوله انفاق

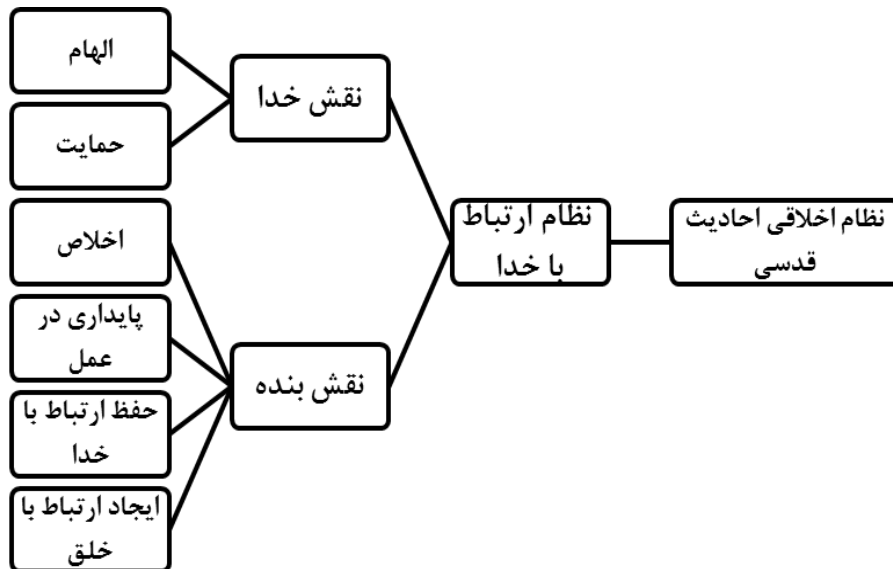


۲-۵. نظام ارتباط با خدا

پس از مطالعه موضوعات فرعی این نتیجه حاصل می‌شود که مهم‌ترین موضوع از دیدگاه احادیث قدسی اخلاقی، ایجاد ارتباط با خدا و تلاش برای حفظ و تقویت آنست. طاعت و ذکر، در شکل‌گیری نظام ارتباط با خدا نقش زیادی برعهده دارند. هرچند این نظام اجزای زیادی دارد، اما شکل‌گیری آن با این دو جزء امکان می‌یابد. با وجود اهمیت نقش ذکر و طاعت در این نظام، آن چه به این نظام هویت می‌بخشد، صرف انجام اعمالی بی‌هدف و جهت نیافته نیست که اعمال انسان به این شکل به هیچ مقصدی نمی‌رسد و نمی‌رساند. اگر از مقصد دور نکند بلکه اخلاص و استقامت است که به آن عمل معنا می‌بخشد و حول یک محور به آن نظم و پیوستگی می‌دهد. گرچه در این نظام عملکرد انسان بسیار مؤثر است، اما نقش خداوند را نیز در آن نمی‌توان نادیده گرفت. نمودار ذکر نشان می‌دهد که فرایند آن بدون عنایت الهی در تمام مراحل امکان‌پذیر نیست. در فرایند طاعت نیز که نقش بنده پررنگ‌تر می‌شود، همچنان حمایت و امداد الهی ضرورت دارد. وظیفه اصلی بنده در این نظام، عمل به شرط اخلاص است. پایداری در عمل و در نتیجه حفظ ارتباط با خدا که گاهی در ارتباط با جامعه نمود می‌یابد، دومین شرطی است که بنده باید برای ایفای نقش خود در این نظام، احراز کند.

نمودار ۱۳، نظام اخلاقی احادیث قدسی را در پرتو نظام ارتباط با خدا نشان می‌دهد.

نمودار ۱۳۲: نظام ارتباط با خدا



۶. نتیجه

احادیث قدسی را می‌توان در سه دسته اعتقادات و اخلاق و عبادات، طبقه‌بندی نمود. فضایل و رذایل اخلاقی یکی از موضوعات پراهمیت در معارف قدسی است. از دیدگاه احادیث قدسی پس از این که انسان با شکل صحیح عقاید آشنا شده و آن عقاید در ذهن و جانش رسوخ کرد، آماده است که وارد حوزه عمل شود. آن چه در باب عمل بیش از همه اهمیت پیدا می‌کند، رعایت اصول اخلاقی است. با این که احادیث هم به اخلاق فردی و هم جمعی توجه کرده، اما بیش از هر چیز بر اخلاق فردی تمرکز داشته و تأکید می‌کند که برای داشتن جامعه‌ای صالح باید تمام افراد جامعه قدم در راه اصلاح گذارند که جامعه را فرد فرد اعضای آن می‌سازد و لذا اصلاح جامعه بدون اصلاح تک تک اعضا ممکن نیست. شاگردان مکتب حدیث قدسی همین که در راه اصلاح عمل خود تلاش کنند، گویی در راه نجات جامعه از سقوط تلاش کرده‌اند. احادیث از این رهگذر شیوه صحیح اصلاح جامعه و برخورد با کسانی که اجتماع را به انحراف می‌کشانند، آموزش می‌دهد. در میان تمام موضوعات و مفاهیم مطرح در احادیث اخلاقی قدسی که به همان شیوه غیرمستقیم عمل‌گرایی را مرکز توجه خود قرار می‌دهد، ارتباط با خدا نقشی محوری دارد؛ به طوری که می‌توان گفت که نظام اخلاقی احادیث قدسی بر مبنای ارتباط با خدا پایه‌گذاری شده است. این

دسته از احادیث سعی دارد راه‌های ارتباط با خدا را به مخاطب آموزش دهد و هر چند به ارتباط با جامعه به عنوان یکی از این راه‌ها تأکید زیادی دارد، اما به وضوح نشان می‌دهد که اشتیاق و رضایت خدا در ارتباط فردی با اوست.

ضمائم

جدول ۱: مقوله ذکر

مقوله	موضوعات فرعی	ردیف
رابطه ذکر و شکر	تأکید بر رابطه این همانی یاد خدا و شکر خدا	۱
همنشینی خدا با ذکر	هرکس به یاد خدا باشد، خدا با اوست	۲
	هرکس خدا با او باشد، او به یاد خداست	
	نقش اراده خدا در ذکر	
	اشاره به اهمیت ذکر دائمی	
ذکر خدا از ذاکر	ارتباط مستقیم یاد خدا از انسان و یاد انسان از خدا	۳
اهمیت ذکر دائمی	تأکید بر همنشینی خدا با ذاکر	۴
	فاصله با خدا، نتیجه فراموش کردن خدا	
	ذکر دائمی، بهترین اعمال نزد خداوند	
معیار بندگی	معیار بندگی، ذکراست	۵
	بنده مطلق، دائماً در ذکر خداست	
تأثیر ایمان در کیفیت ذکر	اشتیاق ملائکه به شناخت اهل ذکر	۶
	حمایت ملائکه از اهل ذکر	
	عبادت عاشقانه اهل ذکر با وجود حجاب دنیا	
	ایمان قلبی اهل ذکر به خدا	
	اطمینان اهل ذکر به وعده و وعیدهای خداوند	
	فروزی اشتیاق اهل ذکر به خدا و نعمت هایش بعد از رفع حجاب	

مقوله	موضوعات فرعی	ردیف
	اشاره به نقش ذکر در برخورداری از رحمت خدا	
	تابش نور وجود اهل ذکر به دیگران و بهره مندی آن‌ها	
مغفرت، ذکر خدا از انسان	یاد خدا، طاعت اوست	۷
	مغفرت، یاد خدا از بنده مطیع	
	بیزاری خدا از بنده گناهکار	
ذکر، نشانه اولیا	تأکید بر ذکر به عنوان نشانه اولیاء خدا	۸
	خدا، اولیایش را به شایستگی یاد می‌کند	
	اشاره به اهمیت رابطه ی دوجانبه با خدا	
محبوبیت ذاکر	شهرت و محبوبیت بین اهل آسمان، پاداش ذکر خدا	۹
ذکر کثیر، محبوب خدا	تأکید بر اهمیت و جایگاه ذکر نزد خدا	۱۰
	الهام ذکر خدا به بنده از جانب خدا	
	محبوبیت ذاکر نزد خدا	
	در حجاب رفتن خدا برای کسی که ذکر ندارد	
	کسی خداوند از او در حجاب باشد، نمی‌تواند یاد خدا کند	
	بغض خداوند نسبت به کسی که یاد او نکند	
بی‌نیازی ذاکر	تأکید بر ذکر دائمی	۱۱
	بی‌نیازی، نتیجه ذکر دائمی	
	کفایت خدا از کسی که اشتغال به قرآن دارد	
	فضل خدا درباره ذاکر دائمی	
	شکرگزاری خدا از اعمال انسان	
	یاد خدا، بهترین مشغله برای انسان	
کرم، ویژگی اهل ذکر	برجستگی اهل ذکر در میان اهل محشر	۱۲
	تأکید بر صفت کرم به عنوان ویژگی اهل ذکر	

مقوله	موضوعات فرعی	شماره
رابطه ذکر و عشق	چشیدن حلاوت ذکر، محصول ذکر دائمی	۱۳
	رابطه عاشقانه خدا و انسان، محصول ذکر	
	رفع حجب، محصول رابطه عاشقانه خدا و انسان	
	اشتقاق خدا به ایجاد رابطه ای نزدیک با انسان	
	ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند / هرآنکه خدمت جام جهان نما بکند	
	اشاره به رابطه ذکر و عشق خدا	
	مصونیت از خطا، محصول رفع حجب	
	تالی تلوانبیا شدن، محصول مصونیت از خطا	
	تأثیر وجود اهل ذکر در بخشش اهل زمین	
ذکر خدا از انسان	چرخه ذکر از خدا آغاز می شود و به خدا پایان می گیرد	۱۴
	ذکر خدا بدون اراده خدا ناممکن است	
	صعود ذکر بدون اتصال قلبی با خدا ناممکن است	
گشایش	نجات بنده از بلا، محصول ذکر خدا در هنگام آسایش	۱۵
حقیقت ذکر	ذکر، سکونت خدا در دل بنده	۱۶
	اتصال دائمی با خدا، محصول دعا	
	در دسترس بودن دائمی خداوند برای بنده	
مغفرت	لزوم رعایت اخلاص در فرایند ذکر خدا	۱۷
	بهره مندی از مغفرت خدا، محصول ذکر با اخلاص	
	بهره مندی از فضل و رحمت خدا در تبدیل سیئات به حسنات، محصول ذکر با اخلاص	
بهشت	جایگاه ویژه ذاکر دائمی در بهشت	۱۸
	شنیدن صدای بی سابقه تسبیح و تقدیس، پاداش ذاکر دائمی	
	اشاره به شکرگزاری خدا از اعمال انسان	
ذکر دائمی	ذکر خدا در هر حالی پسندیده است	۱۹

مقوله	موضوعات فرعی	ردیف
کظم غیظ، ذکر	تأکید بر کظم غیظ	۲۰
	کظم غیظ به منزله ذکر خدا	
	بهره مندی از مغفرت خدا، محصول کظم غیظ	
	بهره مندی از حمایت الهی، محصول کظم غیظ	
رحمت	برخورداری از رحمت خدا به دلیل ذکر خدا	۲۱
	دوری از رحمت خدا به دلیل فراموش کردن خدا	
	ارتباط مستقیم ذکر خدا و رحمت	
گشایش	کفایت مهمات، محصول ذکردائمی	۲۲
طاعت	بهره مندی از نعمت الهی، محصول ذکر	۲۳
	طاعت و عبادت، ذکر خدا	
	بهره مندی از رحمت و رضوان، محصول ذکر خدا	
انس با خدا	همصحبیتی و انس با خدا، محصول ذکردائمی	۲۴
نعمت	ذکر خدا، موهبت الهی	۲۵
ذکر، نتیجه تنعم	حمد و ذکر، متأثر از تنعم	۲۶
	اشاره به ضرورت حمد و ذکر در نعمت	
رحمت	ذکر خدا، بهای نعمت عمر	۲۷
	ذکر، تنها توشه مفید برای آخرت	
	ذکر، تنها عمل موجه برای انسان	
	تأکید بر حیط اعمال خارج از محدوده ذکر	
	اشاره به نقش ذکر در برخورداری از رحمت	
ذکر خدا از ذاکر	فزونی کیفیت یاد خدا از انسان نسبت به یاد انسان از خدا	۲۸

جدول ۲: مقوله طاعت

ردیف	موضوعات فرعی	موضوع
۱	شایستگی انسان در حمل امانت الهی	امانت الهی
	حمل امانت الهی، پاداش دارد و ضایع کردنش، عذاب	
	امانت الهی، طاعت الهی	
	هبوط آدم به زمین، نتیجه ضایع کردن امانت الهی	
۲	نقش طاعت در برخورداری از رحمت الهی	بستر نزول رحمت
	تغییر کیفیت نزول رحمت با عصیان پروردگار	
۳	اشاره به بازگشت کامل اعمال به انسان	بازگشت اعمال به انسان
	تأکید بر رعایت اخلاص در عمل	
	اشاره به ضعف وجودی انسان در رساندن عمل به مقصد	
۴	تأکید بر نقش طاعت در کفایت امور و اجابت دعا	تحویل قلوب // رابطه ذکر و طاعت
	اشاره به این نکته که نتیجه اشتغال به ذکر خدا، حمایت الهی است	
	اشاره به تحویل قلوب به دست خدا	
۵	ضرورت طاعت پروردگار	رحمت
	اشاره به نقش طاعت در برخورداری از رحمت و مغفرت	
۶	طاعت خدا، شکر نعمت های الهی	یاری مطیع از سوی خدا // نعمت
	اشاره به ضرورت طاعت و ترک معصیت	
	اشاره به نقش طاعت در برخورداری از حمایت الهی	
	اشاره به عقوبت معصیت	
	اشاره به ناسپاسی انسان و نارضایتی خدا از عصیان	
	ضرورت ارائه برهان در عصیان پروردگار	

ردیف	موضوعات فرعی	موضوع
۷	اشاره به ناسپاسی و عصیان انسان در برابر رحمت خدا	رابطه ضعف وجودی انسان و طاعت
	اشاره به نقش نیازمندی انسان در طاعت	
	اشاره به بی طاقتی انسان در برابر عذاب آتش	
	اشاره به شدت عذاب آتش	
	نقش باقی دانستن آخرت در عمل گرایی	
	توصیه به عمل گرایی	
	اشاره به سختی و ناهمواری راه آخرت	
	اشاره به دنیا به عنوان محل کاشت و عمل و جهاد	
	اشاره به آخرت به عنوان محل برداشت و آسایش	
۸	اشاره به طاعت خدا به عنوان تنها نقش فعالانه انسان	تنها شأن بنده
۹	تأکید بر نقش طاعت در برخورداری از حمایت الهی	رابطه طاعت و حمایت خدا
۱۰	اشاره به مقام مطیع نزد پروردگار	مغفرت
	اشاره به مراتب طاعت	
۱۱	اشاره به عدم تأثیر سابقه نیک در عقوبت انسان	تغییر سرنوشت
	تأکید بر عقوبت غرور و نافرمانی خدا	
	اشاره به عدم تأثیر سابقه بد در پاداش انسان	
	توصیه به طاعت و توجه انسان به خدا در هنگام بلا و سختی	
	اشاره به پاداش طاعت	
۱۲	تأکید بر رضا به عنوان پاداش طاعت	رضایت و رحمت
	اشاره به دامنه غضب پروردگار	
۱۳	اشاره به اثرات طاعت پروردگار	محبوبیت در جامعه

ردیف	موضوعات فرعی	موضوع
	اشاره به اهمیت پیوند با مردم	
۱۴	اشاره به نقش طاعت در اتصاف به صفات الهی	خدایی شدن
	اشاره به نقش مؤثر انسان در هستی به دلیل طاعت خدا	
۱۵	طاعت خدا، پذیرایی خدا از بنده	مهمانی خدا

جدول ۳: مقوله انفاق

ردیف	موضوعات فرعی	موضوع
۱	اشاره به نقش انفاق در برخورداری از رحمت خدا	بستر رحمت
	ارحم ترحم	
	عطای الهی، اثر وضعی انفاق	
۲	اشاره به رضایت خدا از پنهان کردن عمل صالح	مایه استحکام انسان
	اشاره به اهمیت و جایگاه صدقه نزد خدا	
	تأکید بر مناعت طبع به عنوان صفت خدا پسند انسان	
۳	انفاق از نعمت های الهی مورد انتظار است	صفت الهی
	اشاره به اهمیت ارتباط با مردم نزد خدا	
	اشاره به انفاق به عنوان شکر نعمت	
۴	وصیت به انفاق از مال میت مورد انتظار است	وصیت میت
	تأکید بر پاداش وصیت به صدقه از مال میت	
۵	اشاره به بی نیازی خدا از انفاق انسان	شرط توانایی
	اشاره به بازگشت کامل اعمال به انسان	
	بخل انسان، فقط به زیان خود اوست	

ردیف	موضوعات فرعی	موضوع
	اشاره به ضرورت انفاق به شرط توانایی	
	اشاره به پاداش گشاده دستی	
۶	خداوند با انسان وارد معامله می‌شود	قرض الحسنه به خدا
	در فرایند عمل صالح، انسان باید فقط با خدا معامله کند	
	عمل صالح آنگاه به مقصد می‌رسد که همه واسطه‌ها از میان برداشته شوند	
	در فرایند عمل صالح، انسان باید فقط با خدا معامله کند	
۷	توصیه به پنهان کردن صدقه	اخفاء صدقه
	پرهیز از ریا	
۸	تأکید بر نقش صدقه در نجات از عذاب و برخورداری از رحمت	بستر رحمت
۹	اشاره به اهمیت اتکاء به رحمت خدا	متکی به امید به رحمت
	اشاره به عقوبت امساک از انفاق	
	اشاره به پاداش انفاق	
	پرهیز از بخل و امساک به سبب ترس از فقر	
	توصیه به اتکاء به خدا در انفاق از مال	
۱۰	تأکید بر ضرورت انفاق	بستر رحمت
	اشاره به انفاق به عنوان معامله با خدا	
	تأکید بر پاداش مضاعف انفاق	
	اشاره به دنیا به عنوان ابزار آزمایش انسان	
	اشاره به محرومیت از فضایل اخلاقی و رحمت و هدایت به عنوان عقوبت امساک	
۱۱	اشاره به اعطای پاداش انفاق، مستقیماً از سوی خدا	پاداش مستقیم خدا

کتابنامه

- الاتحافات السنّیة بالاحادیث القدسیة، زین الدین بن تاج العارفين، تحقیق: محمد منیر دمشقى، مصر: انتشارات محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۵۴ق.
- الاتحافات السنّیة فی الاحادیث القدسیة، علامه محمد مکى، حیدرآباد دکن: دایره المعارف العثمانیه بالعاصمه، ۱۳۵۸ق.
- الاحادیث القدسیة المشتركة بین السنة والشیعة، سید محسن حسینی امینی، تهران: مجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۵ق.
- الاحادیث القدسیة، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه بالقاهره، ناظر: درویش جویدی، بیروت: المطبعه العصریه، ۱۴۲۶ق.
- الاحادیث القدسیة، ابوزکریا یحیی بن شرف نووی، تحقیق: مصطفی عاشور، قاهره: مکتبه القرآن، بی تا.
- اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبنایی، رویه ها و شیوه ها، آنسلم استراس؛ جولیت کوربین، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
- تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ال-آر هولستی، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳.
- تحلیل محتوا؛ مبانی روش شناسی، کلوس کریپندورف، ترجمه: هوشنگ نایبی، تهران: نی، ۱۳۹۱.
- التعریفات، علی بن محمد شریف جرجانی، بیروت: دار النفائس، ۱۴۲۸ق.
- جامع الاحادیث القدسیة الصحیحة، محمد بن ریاض الاحمد الاثری، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۲۶ق.
- الجواهر السنّیة فی الاحادیث القدسیة، محمد بن حسن حرّ عاملی، وحدت بخش، بی تا.
- روش های تحقیق در علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- الصحیح المسند من الاحادیث القدسیة، مصطفی بن عدوی، بطنطا: دار الصحابه للتراث، ۱۴۱۰ق.
- علوم الحدیث و مصطلحه، صبحی صالح، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳.
- کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، محمد اعلی بن علی تهانوی، تهران: خیام و شرکاه، ۱۹۶۷م.

- كلمة الله، سيد حسن شيرازى، بيروت: مؤسسه الوفا، ١٣٨٢.
- مجموعة الاحاديث القدسيّة، بى نا، شرح: احمد الشرباصى، بى جا، ١٣٨٩.
- مشكاة الانوار فيما روى عن الله سبحانه من الاخبار، محى الدين بن عربى، تحقيق: ابوبكر مخيون، قاهره: مكتبه القاهره، ١٤٢٠ق.
- معجم الاحاديث القدسيّة الصحيحه ومعها الاربعون القدسيّة، نورالدين على بن سلطان محمد قارى، تحقيق: ابوعبدالرحمن كمال بن بسيونى ايبانى مصرى، قاهره: مكتبه السنه، ١٤١٢ق.
- معجم فى المصطلحات والفروق اللغويه، ايوب بن موسى حسيني كوفى، قاهره: دارالكتاب الاسلامى، ١٤١٣ق.
- المقاصد السنّيّة فى الاحاديث الالهية، على بن بلبان مقدسى، دمشق-بيروت: دار ابن كثير، ١٤٠٨ق.